

مبارزه با طالبان به همدست اشغالگران امپریالیستی تبدیل شد و امروز شاهدیم که نتنها "اسلام سیاسی" تضعیف نگردد بلکه قوی تر از گذشته وارد صحنه شده است. حکک اکنون مخالف شعار خروج بی قید و شرط ارتش آمریکا و شرکا از خاک عراق است. چون خودش در آنجا آلترناتیو نیست و می ترسد پس از خروج ارتش آمریکا " تروریستهای اسلامی" یعنی سناریوی سیاه درعراق قدرت را به کف گیرند. پس پناه بردن به دامن ارتش اشغالگر یعنی سناریوی سفید و پافشاری بر ادامه اشغال عراق تا استقرار "جامعه دموکراتیک و مدنی" نتیجه منطقی چنین سیاستی است. روشن نیست اینهمه عصبانیت آقای صالحی برسر چیست. اگر همدستی با امپریالیسم را زشت می‌شمرد پس باید رهبری حزبی و از همه مهمتر نظرات منصور حکمت را مورد نقد و بررسی قرار دهد و به نتایج جدیدی برسد. در غیر اینصورت اینهمه فحاشی و برخورد هیستریک به منتقدین که از همدستی حزب شما با امپریالیسم سخن میگویند ناصواب است نمی تواند بر از نده یک فرد آگاه سیاسی باشد.

چرا دفاع از صهیونیسم؟

حکک همانطور که واژه امپریالیسم را از ادبیات سیاسی اش حذف کرده است تا مورد احترام ممالک امپریالیستی قرار گیرد واژه صهیونیسم را نیز به سخره گرفته و آن را در نوشته هایش بکار نمی بندد. اینکه این حزب از چه زمانی به حذف واژه صهیونیسم از ادبیات سیاسی اش دست زده بر ما معلوم نیست این وظیفه آقای صالحی است که از رهبرانش به پرسد و به اطلاع عموم برساند.

تا کنون بارها از حکک و حتا آن زمان که آقای حکمت در قید حیات بود سؤال گردید که نظر این حزب در مورد صهیونیسم چیست و آیا رژیم اسرائیل یک رژیم صهیونیستی است یا خیر. آیا می توان رژیم صهیونیستی اسرائیل را برادر تری رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی نامید یا خیر؟ این حزب تاکنون پاسخ مشخصی در مورد چرایی حذف واژه صهیونیسم نداده است و تنها به این بسنده کرده است که چون جمهوری اسلامی و اسلامیهستهای مرتجع آن را بکار می بندند حزب ما از بکار بردن آن اجتناب میکند...

پس چون جمهوری اسلامی واژه امپریالیسم و صهیونیسم را شعار میدهد دیگر صلاح نیست چنین مقولاتی را بکار گیریم. چون سوسیال دموکراسی اروپا نیز واژه سوسیالیسم و عدالت اجتماعی را سالیان طولانی بکار برده است پس صلاح نمی باشد تا کمونیستها چنین مقولاتی را بر زبان آورند و بهتر اینکه آن را از ادبیات سیاسی خود حذف نمایند؟! اینگونه استدلال فرار از پاسخ به مسئله است و کسی آن را جدی نمی گیرد و بوی تعفن همدستی با ارتجاع صهیونیسم جهانی مشام را می آزد.

صهیونیسم جهان بینی ناسیونالیستی بورژوازی ارتجاعي و متعصب یهود است. بر اساس این نظریه امت یهود یک قوم برگزیده از نظر خداوند است که حق دارد بر دیگران فرمانروایی کند. این نظریه یک نظریه نژاد پرستانه است. در سال 1975 مجمع عمومی سازمان ملل متحد صهیونیسم را به منزله شکلی از نژادپرستی و تبعیضات نژادی در طی قطعنامه ای محکوم کرد. این قطعنامه در سال 1991 با زور صهیونیسم بین الملل و امپریالیسم آمریکا ملغی شد.

مضمون صهیونیسم، شونیم نژاد پرستانه و مبارزه با جنبش کمونیستی و حمایت از بهره کشی انسان است. این بورژوازی با تحریک احساسات ناسیونالیستی و بنیاد گرایانه متعصب های یهودی زیر درفش صهیونیسم با نیروهای مترقی جهان مبارزه میکند. رژیم اسرائیل که سرزمین های فلسطین را اشغال کرده است و به قتل عام فلسطینی ها و پاکسازی اعراب در منطقه خاورمیانه مشغول است چماق امپریالیسم آمریکا در منطقه است.

اینکه سیاست جمهوری اسلامی در ایران یک سیاست ارتجاعي و پان اسلامیهستی و ضدیهودی است نباید با سیاست ضد صهیونیستی مخلوط گردد. کمونیستها فرقی میان کارگران مذاهب مختلف و ملیت های مختلف نمیگذارند. برای آنها تعلقات طبقاتی و مبارزه برای پایان دادن استثمار انسان مهم است و به حساب می آید....

حال باید پرسید چرا احزاب حکمتی به حذف واژه صهیونیسم پرداخته و اسرائیل را مدرن و مترقی ارزیابی میکنند و تاج گل "بورژوا دموکراتیک" بر سرش میگذارند؟ چرا قانون اساسی صهیونیستی اسرائیل انسانی و مدرن و مترقی تحلیل میگردد و از آن در مقابل رژیم اردن و یا عربستان و سایر ممالک اسلامی دفاع میشود؟ اکنون هزاران فلسطینی در زندانهای رژیم صهیونیست اسرائیل تحت شدیدترین شکنجه های وحشیانه قرار دارند و اریحج حقوقی برخوردار نیستند. بیرون ریختن سه میلیون فلسطینی و کمر به نابودی بستن همه فلسطینی ها و رهبرانشان که ریشه در سیاست صهیونیستی دارد بر کسی پوشیده نیست .

رژیم آفریقای جنوبی به همین شیوه های نژاد پرستانه سیاه پوستان را مورد تبعیض و ستم قرار میداد و ممالک امپریالیستی زیرکی با پیمانهای تجاری به تقویت و ادامه حیات این رژیم ضد انسانی و نژاد پرست مبادرت میکردند و از تاسیس سازمانهای "دموکراتیک و مدنی و مدرن". نیز سخن میگفتند. اما دیدیم که سرانجام چه شد. این رژیم توسط مبارزه توده های مردم و نیروهای انقلابی و کمونیستی به گورستان تاریخ سپرده شد. اکنون رژیم آفریقای جنوبی یک رژیم متعارف بورژوازی است و حقوق دموکراتیک بورژوازی برای همه شهروندان به رسمیت شناخته شده است.. امروز دیگر بعنوان سمبلیک " گلابی" آفریقای جنوبی مورد مردم تحریم نیست و با وجدانی آسوده می توان بسیاری از میوه جات گوناگون و متنوع آفریقای جنوبی را خرید و به مصرف رسانید. امروز دلیلی بر تحریم مبارزاتی علیه آفریقای جنوبی نیست طرح چنین مسئله ای موضوعیتی ندارد .

اما اسرائیل چطور؟ چرا اکنون پرتقال "یافا" و دیگر میوه جات اسرائیلی مورد تحریم مردم عادی است؟ آیا از خود هیچ پرسیده اید که پشت چنین سیاستی چه خوابیده است؟ جناب صالحی! شما می توانید با وجدانی آسوده و زنده باد اسرائیل "بورژوادموکراتیک" به ریش میلیونها انسان در اروپا بخندید و به سیاست مثلا تحریم پرتقال "یافا" که بیشتر جنبه سمبلیک مبارزاتی و همبستگی با مردم فلسطین دارد لبخند تمسخر آمیز بزنید و به ابتیاع این پرتقال خوشمزه ادامه دهید و طرفداران تحریم اسرائیل را محکوم کنید... اما از دیگران نخواهید تا از همدستی حزب شما با رژیم صهیونیستی اسرائیل و آرایش ماهیت ضد بشری آن چشم ببوشند. سیاست حکک کاملا ارتجاعی و درمقابل میلیونها انسان آزاده جهان قرار دارد. رژیم اسرائیل یک رژیم استعماری و صهیونیستی است و بر مردم فلسطین و منطقه تحمیل شده است. همدست استعمار و صهیونیسم در منطقه شدن افتخار نیست ننگ است. بجای برخورد انتزاعی به مسائل و حاشیه رفتن و دفاع متعصبانه از نظریات منصور حکمت و اینهمه تناقص گویی، کمی با خود خلوت کنید تا ببینید از چه دفاع میکنید. آیا دریافت کمک مالی از اسرائیل حقیقت دارد؟

در این رابطه حکک تا این حد شفاف عمل نموده است که دریافت کمک مالی و تدارکاتی از ممالک غیر اسلامی را مجاز اعلام نماید. وقتی چنین مسئله مهمی در دفتر سیاسی این حزب طرح گردید اعتراض عده ای از اعضای رهبری این حزب از جمله آقایان رضا مقدم و ایرج آذرین را برانگیخت و آنان نیز مقالاتی در این رابطه انتشار داده اند. سند مصوب پلنوم دفتر سیاسی که با شماره 1028 منتشر گردید نتنها برای اعضای این حزب بلکه برای سایر سازمانها و احزاب و شخصیتهای ایرانی مورد پرسش قرار گرفت. سکوت طولانی حکک در این رابطه و موضع گیریهای سیاسی روز مراهش در قبال مسائل حاد و پرحرارت فلسطین و اسرائیل در منطقه همه نشان از تأیید و رسمیت بخشیدن به مناسبات "دیپلماتیک و سیاسی" و دریافت کمک مالی از اسرائیل دارد. وقتی تمام تبلیغات یک حزب مبارزه علیه "اسلام سیاسی" باشد و از سویی اسرائیل را مترقی و مدرن تحلیل کند آزمان روشن کرده است متحدش کیست و چگونه باید با اسرائیل علیه رژیمهای اسلامی پیکار کند.

جزئیات سند داخلی مناسبات با دول غیر اسلامی کاملا محرمانه است. فقط برای اعضای دفتر سیاسی این حزب قابل دسترسی و شفاف است. پس اینکه سندی در دفتر سیاسی در زمینه مالی با شماره 1028 به تصویب رسید و از سویی مورد اعتراض بخشی از اعضای رهبری این حزب قرار گرفت، اتهام نیست حقیقت غیر قابل انکار است. متأسفانه آقای صالحی از آنجا که هنوز به عضویت دفتر سیاسی نایل نشده بود و شاید به عنوان عضو ساده فعالیت می نمود، از جزئیات قضیه بی خبر است و از همین رو وقتی در مقاله قبلی به این موضوع مهم اشاره نمودم ایشان قادر به پاسخگویی نبود تنها به این بسنده کرد که "تا آنجا که وی با حکک آشنایی دارد میدانند که خرج تلویزیون را اعضای حزب و هواداران ایشان و نیز حکمتیستها تامین کرده اند نه دولت اسرائیل."

بی شک چنین پاسخی قانع کننده نمی تواند باشد. آنکس که دستی در فعالیت تشکیلاتی و مبارزه سیاسی داشته باشد می داند که حق عضویت اعضا و کمک مالی از سوی هواداران کفاف هزینه سنگین کادر فنی و تلویزیونی و یا دیگر ارگانهای تبلیغاتی و مسافرتها حرفه ای رهبری... را نمی کند. نمی توان بصورت تمام وقت در اختیار حزب بود و هم دوازده ساعت به کار اداری و یا کار در کارخانه .. به امرار معاش پرداخت. پس باید امکانات مالی و تدارکاتی کافی را فراهم آورد و و درست در این رابطه است که توجیه تئوریک و اخلاقی دریافت کمک مالی از دول غیر اسلامی (بخوانید اسرائیل) معنا پیدا میکند. شاید بگویند چه اشکالی دارد مگر برخی از سازمانهای کرد و غیر کرد ایرانی از صدام حسین پول و امکانات دریافت نکرده بودند پس چه حساسیتی وجود دارد تا چنین رابطه ای نیز با اسرائیل داشت و با استفاده از تضاد رژیم اسلامی ایران و اسرائیل سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تدارک دید...؟

دریافت کمک مالی و تدارکاتی از رژیم صدام حسین نیز نمی توانست سیاست صحیحی باشد و به هیچ وجه نمی تواند توجیه گر دریافت کمک مالی از اسرائیل باشد. اتخاذ چنین سیاستی از پایه غلط است و ناشی از عدم اتکا به نیروی توده مردم است. کارنامه آن جریاناتی که از عراق پول گرفته اند پیش روی ماست و مورد تأیید مردم ایران نخواهد بود. شاید این نظر که مخارج حکک از طریق اعضای این تشکیلات تامین میگردد عده ای را قانع نماید و دریافت کمک مالی این حزب از اسرائیل را جدی تلقی نکرده و طلب سند مهر خورده نمایند. به این دسته از دوستان باید گفت که اعضای یک حزب لیبرال مسلک که بصورت کیلویی وارد مجالس جشن و بزم میشوند و بدون هیچ گونه پرنسیپ انقلابی و کمونیستی به عضویت تشکیلات نایل می آیند، فاقد روحیه انقلابی و فداکاری اند و خود پرستی و خود خواهی خرده بورژوازی و منافع شخصی مانع آن است تا این افراد از مال و جانشان در راه رهایی پرولتاریا و زحمتکشان بگذرند. چنین افرادی بدون هیچ گونه آزمایش، بدون هیچ ارتباط حوزه ای و تشکیلاتی فقط بصورت کاغذی به عضویت حزب در می آیند. پرنسیپ عضو گیری سازمانهای دموکراتیک در خارج و بطور مشخص کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در دوران گذشته صد ها مرتبه اصولی تر و پیش رفته از "اصول" عضو گیری حکک است.

اصول و موازین حکک مغایر با ابتدایی ترین اصول و مبانی یک حزب مارکسیستی است و آن کس که بر این توهم است که مسائل مالی حکک از طریق "فداکاری و حق عضویت اعضا و کمک هواداران تامین میگردد"، به خطا رفته و چنین نظری غیر مارکسیستی لنینیستی است و با واقعیت نمی خواند. حزبی که تمام وجودش را فرهنگ بورژوا لیبرالی فرا گرفته است و تمام هم و غمش مسائل اجتماعی نظیر پوشش و نوشش و سقط جنین و روابط پسر و دختر و مطالبات اجتماعی و طبقاتی قشر بالا و مرفه جامعه است نمی تواند مکتب آموزش و فداکاری و ازجان گذشته گی برای اعضای تازه وارد باشد. انقلاب برای حزب و این اعضا موضوعیتی ندارد. سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا محلی از اعراب

ندارد. " مدرنیسم بورژوازی و جامعه مدنی سوسیال دموکراسی " کعبه آمالشان است و بس. اینها همه حقیقتی است غیر قابل انکار، اتهام نیستند و اقعیت اند. پس بهتر است جناب صالحی قبل از اظهار نظر " مبنی بر اینکه تا جایی که ایشان می داند " اعضای حزب اند که مخارج حزب را تامین میکنند " رو به دفتر سیاسی حزب آقای کورش مدرسی و حمید تقوایی.. و آورد و در مورد قطعنامه پلنوم مذکور دفتر سیاسی به کنکاش بپردازد و با اطلاعات دقیق تر پاسخگوی منتقدین این حزب باشد. شما به عنوان عضو حزب هنوز نمی دانید که جزئیات درونی این قطعنامه چیست و قرار هم نیست و نبود که همه را بدانید زیرا این امری محرمانه و فقط برای اعضای دفتر سیاسی حزب بوده است. پس غیر مسئولانه است از در دفاع و پاسخ بر آئید و " اتهام " دریافت کمک مالی و تدارکاتی این حزب از دول غیر اسلامی (بخوانید اسرائیل) را منکر شوید و از " کمک اعضا و هواداران و تامین مالی حزب از این طریق سخن بگویید. در پایان باید بگویم آنچه برای تعریف ماهیت سیاسی یک حزب تعیین کننده است خط و مشی سیاسی ایدئولوژیک آن حزب است نه تعداد اعضا و کمیت آن. احزاب سوسیال دموکراسی اروپا اکثریت کارگران را به عضویت خود در آورده اند لیکن ماهیت این احزاب بورژوازی و ضد انقلابی و هیچ نشان از یک حزب رزمنده پرولتری که از منافع کارگران دفاع نمایند ندارند. ماهیت احزاب حکمتی را نیز نه تعداد اعضای " بیشمار " آن و یا امکانات مالی و تدارکاتی آنها بلکه خط و مشی سیاسی ایدئولوژیک آنها تعیین میکند. ماهیت سیاسی این احزاب، بورژوا لیبرالی، ضد کمونیستی و ضد انقلابی است و شالوده شان دفاع ننگ آور از صهیونیسم و امپریالیسم است.

اینکه از دیگران نقل قول میآورید و کمیت توفان را مطرح میکنید نمی تواند به استدلال ضعیفان قوت بخشد. ماهیت حزب کار ایران را سیاست، خط و مشی و برنامه و اساسنامه اش باز تاب میدهد. حزب کار ایران حزبی رزمنده و محکم است و تعلق به مردم ایران و کارگران و زحمتکشانش دارد. سابقه اش شفاف و روشن است و هرکسی می تواند به بررسی و تحقیق در مورد تاریخچه، سابقه این تشکیلات و نکات ضعف و قوت آن بپردازد. بنیان گزارانش رفقا قاسمی و فروتن و سغایی در مبارزه ای عظیم علیه رویزیونیسم مدرن و تحولات سرنوشت ساز سالهای 50 و 60 میلادی نقش شایسته ای ایفا نموده و از این نبرد سربلند بیرون آمدند.. اگر برای رهبران و بنیان گزاران توفان کمیت و پول و امکانات به هر قیمتی مطرح می بود از حزب توده ایران و از شوروی که در آن دوران اردوگاه عظیمی بود نمی بریدند و با موج عافیت طلبی و رویزیونیسم و خیانت به کارگران و زحمتکشانش همراه می شدند و اصول و مبانی کمونیستی را فدای پول و امکانات تدارکاتی میکردند.

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان و سپس حزب کار ایران حاصل نبرد سیاسی ایدئولوژیک رفقای سه گانه قاسمی، فروتن و سغایی علیه رویزیونیسم مدرن است. بر همین اساس آنجا که جمهوری توده ای چین راه سرمایه داری را پیش گرفت توفان پرچم مبارزه علیه احیای سرمایه داری و تئوری سه جهان را بر افراشت، جانب مارکسیسم لنینیسم را گرفت و این امر منجر به قطع روابط با حزب کمونیست چین گردید.

آنجا که با رفقای آلبانی بر سر مسائل ایران اختلاف نظر داشت در چارچوب رفیقانه و کمونیستی نظراتش را شجاعانه اعلام داشت و بر حفظ استقلال سیاسی تشکیلاتی خود تاکید ورزید. چقدر زشت و نکوهیده است کسی بدون مطالعه و تحقیق در مورد تشکیلاتی به اظهار فضل بپردازد.

این مختصر پاسخی است به آقای صالحی و دوستانش که بدون کمترین احساس مسئولیتی و با ادعای بدون پشتوانه صحیح سیاسی ایدئولوژیک به پرت و بلا گویی مشغولند و به خلط مبحث می پردازند.